اقتصاد فعال در آسیای مرکزی راه حلی برای دیپلماسی خارجی ایران

شهابی، سهراب

محدودیت‏های‏ گوناگونی در بسیاری از روابط خارجی،بخصوص‏ روابط اقتصادی‏ خارجی،ما اعمال‏ خواهد گردید

برای پرهیز از تنگ‏تر شدن فضای سیاست خارجی ایران در ارتباط با غرب، ژاپن و حتی روسیه باید فضاهای دیگری را فعال کرد اقتصاد فعال در آسیای مرکزی‏ راه‏حلی برای دیپلماسی خارجی ایران

سهراب شهابی

آقای احمدی‏نژاد رئیس جمهور شد و همکاران وی‏ در مسائل خارجی،از جمله وزیر خارجه و دبیر شواری‏ عالی امنیت ملی،مشخص گردیدند.مهم‏ترین موضوع‏ در دستورکار این تیم بر همگان روشن است: فناوری هسته‏ای و چرخه سوخت که با صدور قطعنامه‏ شورای حکام آژانس بین‏المللی انرژی وارد مرحله‏ جدیدی گردیده است و با فرا رسیدن ماه سپتامبر و گزارش رئیس آژانس موضوع ارجاع یا عدم ارجاع‏ پرونده ایران به شورای امنیت مطرح خواهد شد.

مباحث فناوری هسته‏ای به‏هر صورت و دست کم‏ در شش ماه نخست دولت آقای احمدی‏نژاد مهم‏ترین‏ موضوع سیاست خارجی خواهد بود و انشاءالله ایشان‏ و همکاران ایشان خواهند توانست ایران را بدون مشکل، محدودیت و صدمات جدید و جدی و با حفظ منافع ملی‏ از این بحران خارج کنند.در عین حال شکست و یا هر گونه کاستی آنان در مدیریت موضوع ممکن است سبب‏ صدمات جبران‏ناپذیری به کشور شود.

چالش‏های آشکار و نهان در موضوع به گونه‏ای‏ است که حتی می‏توان احتمال داد در شش ماه آینده‏ سیاست و روابط خارجی ما با غرب و چه بسا کشورهائی مانند ژاپن و تا حدی چین و روسیه،با نسبت‏های مختلف،گرفتار محدودیت بیشتری نیز شود.برای مثال لغو برخی سرمایه‏گذاری‏های‏ خارجی و یا توقف فرایند آن‏ها امری محتمل است، همچنان که این احتمال وجود دارد سفارتخانه‏ها به‏ تنزل سطح کادر دیپلماتیک خود در ایران اقدام کنند. در چنان وضعیتی احتمال دعوت از ما و یا حضور سران کشورهای غربی و دیگر کشورهای مطرح، حتی رهبرانی چون ولادیمیر پوتین در تهران بعید به‏ نظر می‏رسد.به‏طور خلاصه محدودیت‏های‏ گوناگونی در بسیاری از روابط خارجی،بخصوص‏ روابط اقتصادی خارجی،ما اعمال خواهد گردید. همزمان،علیه هرگونه ضعف،اشتباه یا وجوه منفی‏ سیستم،به صورت گسترده و وسیع تبلیغ خواهد شد.حاصل آنکه راه ارتباط با غرب و بسیاری از کشورهای ناهموار و تنا حدودی مسدود می‏شود. لذا برای پرهیز از تنگ‏تر شدن فضای سیاست‏ خارجی ایران باید فضاهای دیگری را فعال کرد.

یکی از حداقل فضاها،فضای سیاست خارجی ایران‏ در آسیای مرکزی است.البته در این فضای حداقل نیز با محدودیت‏های بسیاری مواجهیم:ملاحظات‏ حکومت‏های آسیای مرکزی نسبت به جمهوری‏ اسلامی ایران،نفوذ آمریکا و روسیه در منطقه، رقابت‏های مؤثر چین و ترکیه و بسیاری عوامل‏ محدودیت‏زا و مشکل‏ساز دیگر.اما در کنار این‏ محدودیت‏ها،امکاناتی نیز وجود دارد.برای مثال،هم‏ اکنون به دلیل حوادث اخیر سیاسی و عدم پشتیبانی اروپا و آمریکا از حکومت ازبکستان در سرکوب مخالفان، روابط این کشور با آمریکا دچار مشکل شده؛تا آنجا که‏ ازبکستان خواهان تعطیلی پایگاه هوائی آمریکا در خان‏ آباد است.در واقع حکومت متمرکز ازبکستان هم اکنون‏ تنهاتر از گذشته است و به همین دلیل از برقراری ارتباط نزدیک‏تر با ایران کمتر پرهیز می‏کند.در این میان از یاد نباید برد که ازبکستان همیشه در آسیای مرکزی نقش‏ محوری داشته است.

فضای ارتباط ایران با قزاقستان،دیگر کشور عمده و ثروتمند شده آسیای مرکزی،هموراه فضایی اقتصادی‏ بوده است.این کشور پهناور و برخوردار از منابع قابل‏ توجه نفت و گاز،چون نیازمند راه‏هایی به دریاهای آزاد است،پیوسته برای تأمین امنیت خود به راه‏های متفاوت‏ می‏اندیشد و از همین رو سیاستی متعادل در ارتباط با خطوط لوله و مسیر ایران اتخاذ کرده است.هم اکنون‏ قرارداد"سواپ‏"ایران و قزاقستان-گرچه با ظرفیتی به‏ مراتب کمتر از آنچه باید اجراء می‏شد-فعال است. افزایش این ظرفیت و احتمالا پیشرفت در مباحث دریای‏ خزر می‏تواند روابط ایران و قزاقستان را نزدیک‏تر کند

سرمایه‏گذاری در این کشورها حتی‏ می‏تواند پایگاه‏ محکمی در منطقه‏ برای حضور اقتصادی ایران در آینده ایجاد کند و موقعیت ایران را در آسیای مرکزی بیشتر استحکام‏ بخشد.

از این میان،گسترش عملی ارتباط با تاجیکستان‏ و انعقاد قرارداد احداث نیروگاه برق و نیز تونل پنج‏ کیلومتری انزاب،که دوشنبه را به خجند وصل خواهد کرد و حلقه‏ای خواهد بود در طرح راه خلیج‏فارس‏ به چین،اهمیتی ویژه دارد.پیشرفت چشمگیر در این‏ قراردادها،در کنار دیگر فعالیت‏های تجاری، می‏تواند این کشور آسیای مرکزی را که از نظر اقتصادی نسبتا فقیرتر از دیگران است و از نظر فرهنگی به ما مأنوس‏تر،بیش از پیش به ایرن نزدیک‏ کند.واقعیت این است که چند سرمایه‏گذاری‏ محدود چند میلیونی در تاجیکستان،حتی با فرض‏ نتیجه نه چندان مطلوب اقتصادی،می‏تواند پیوندهای لازم سیاسی و اجتماعی را نسبت به ایران‏ ایجاد و تقویت کند.

ترکمنستان در مزان ریاست جمهوری آقای‏ رفسنجانی و قرقیزستان قبل از تحولات اخیر در این‏ کشور به ایران بسیار نزدیک شده بودند،باید روابط با این دو کشور بازسازی شود؛بخصوص که جز مشکلات کلی که در ابتدای این نوشتار به آن‏ها اشاره‏ شد،دشواری تازه‏ای میان ایران و این دو کشور وجود ندارد.

افزون بر نکته‏های پیش گفته،ایران همواره می‏تواند از اهرم سازمان اکو و موضوع ترانزیت در جهت بهبود و استحکام بخشیدن روابط خود با این کشورها بهره‏برداری کند.خوشبختانه در هر دو این زمینه‏ها زیر ساخت‏های لازم وجود دارد و تنها باید برنامه و تمایل‏ به بهره‏برداری با تمرکز جدی و هدف‏دار مورد تأکید قرار یگرد و به اجرا درآید.

حرکت سیاست خارجی در آسیای مرکزی با توجه به زمینه‏های موجود و تاکید بر محور فعالیت‏های اقتصادی،نه سیاسی و ایدئولوژیکی، بخصوص با توجه به امکانات مالی و ارزی‏ بی‏سابقه‏ای که در اختیار ایران قرار گرفته است، علی‏رغم محدودیت‏هائی کنونی و احتمالی، دست کم از بسیاری سیاست‏های اعلام شده دیگر عملی‏تر است.سرمایه‏گذاری در این کشورها حتی‏ می‏تواند پایگاه محکمی در منطقه برای حضور اقتصادی ایران در آینده ایجاد کند.ضمن انکه با توجه‏ به محدودیت حجم اقتصادهای این منطقه هزینه‏ زیادی نیز بر کشورمان تحمیل نخواهد شد.

اجرای چند پروژه محوری چون نیروگاه برق در تاجیکستان،احداث چند بیمارستان مجهز ایرانی در منطقه،با توجه به فاصله نزدیک عشق‏آباد با مشهد که‏ یکی از بهترین و قدیمی‏ترین دانشگاه‏های پزشکی ایران‏ در آن شهر قرار دارد و تأمین مالی این بیمارستان‏ها از طریق امکانات مالی فراوان آستان قدس بدون ا حتیاج به‏ صموبه و پیمودن فرایندهای طولانی اداری\*،کمک به‏ تثبیت صادرات خودرو به کشورهای منطقه،فعال کردن‏ پروژه سواپ و طرح‏های دیگر دز زمینه خطوط لوله‏ گاز و نفت و نیز تسریع در عملی کردن پروژه‏های‏ مهمی که در چارچوب سازمان اکو در دستورکار است،همچون قطعی و دائمی کردن پروژه آزمایشی‏ راه‏آهن مسافری و باری آلمانی-تهران-استانبول، تصویب موافقت‏نامه ترانزیتی از سوی ایران و اجرای‏ پروژه تجرات برق نمونه فعالیت‏های ممکن است‏ که می‏تواند نقش مهمی در پیشبرد سیاست خارجی‏ ایران در آسیای مرکزی داشته باشد.

به‏طور خلاصه از یکسو با توجه به شرایط حساس‏ سیاست خارجی ایران در ارتباط با غرب و کشورهائی‏ چون ژاپن و روسیه،و از سوی دیگر ارزیابی امکانات‏ مثبت و منفی در آسیای مرکزی و زمینه‏های عملی‏ موجود،می‏توان امیدوار بود که با تخصیص بخش‏ اندکی از درآمدهای ارزی کشور(در حد یک روز در آمد نفت)،سیاست خارجی کشورمان در منطقه‏ استحکام یابد و ساختارهای لازم برای تقویت یک‏ ارتباط اقتصادی و تجاری بلندمدت و قابل دوام‏ پی یزی شود.این تلاش همچنین می‏تواند به اقتصاد ایران و هم‏پیوندی آن با اقتصاد جهانی یاری رساند.

باید امیدوار بود که تیم اقتصادی و سیاست‏ خارجی آقای احمدی‏نژاد از عهده این امر برآید. اجرای چنین راهکاری احتمالا به تقویت موضع ایران‏ در ارتباط با غرب و در موضوع فناوری هسته‏ای‏ کمک بزرگی خواهد کرد؛به ویژه از آن‏رو که از دامنه‏ انسداد در فضای سیاست خارجی کشورمان کاسته، موقعیت بهتری را برای انجام برخی مانورهای‏ سیاسی فراهم خواهد کرد.البته،همچنان که اشاره‏ گردید،این سیاست بدون هزینه نیست.در واقع‏ به جز هزینه‏های اقتصادی و ارزی،نزدیک شدن ایران‏ به کشورهائی با حکومت مرکزی همچون کره‏ شمالی و یا ازبکستان و ترکمنستان مباحث و موضوعات تازه‏ای را پیش روی‏مان قرار خواهد دارد، لیکن هم اکنون سخن از حداقل‏ها است.

(\*)جالب است بدانیم اکنون ترکیه مهمترین بیمارستان ترکمنستان را راه‏اندازی کرده است و پزشکان ترکیه آن را اداره می‏کنند.